مدیریت شهری
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017
۱۲۹-۱۴۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۵/۲۵

تحلیل نشانه شناختی بافت تاریخی کرمان بر پایه ارتباط لایه های متن/ بافت

علیرضا غفاری* – استادیار گروه معماری، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

بافت تاریخی کرمان، مجموعه ارزشمندی از معماری و بافت شهری این مرزو بوم است که از جهت معماری و شهرسازی، خصوصیات قابل تاملی را دارد. از مسائل مطرح نشانه شناسی، چگونگی ارتباط لایههای نشانه– شناختی معماری (متن/بافت) برپایداری و پویایی یا عدم پایداری سامانه ای معماری می باشد. دراین مقاله جهت تبیین این مسئله، ضمن تشریح مفاهیم نشانه شناسی شمایل، نماد و نمایه، رمزگانهای نشانه شناختی، زیبایی شناسی و اجتماعی که متاثر از مفاهیم فوق هستند، معرفی می گردند. سپس سه رویکرد مهم نشانه شناختی تحت عنوان مناسبات همنشینی و جانشینی و نشانه شناسی فرهنگی تبیین و مشخص خواهد شد که لایه های متشکل از رمزگان ها، چگونه تحت این رویکردها سبب قوام و پویایی یا زوال سامانه بافت معماری و شهری محدوده مورد مطالعه در بافت تاریخی کرمان خواهند شد. تحلیل نشانه شناختی بر اساس مدلی مبتنی بر مبانی نظری و پارامترهای نشانه شناختی در مورد متن/بافت محله ها، دردو بازه زمانی گذشته و معاصر، مشخص خواهد کرد که چگونه لایه های مختلف و سازنده متن/بافت سنتی، ارتباطی هم افزا و بافت ساز داشته و بالعکس در وضعیت معاصر به دلیل برهم خوردن ارتباط لایه های رمزگان، اعم از اجتماعی– فرهنگی، کارکردی، زیبایی شناختی، معنایی و...، نتایج حاصل از مناسبات ها، انسجام زدایی و اغتشاش سامانه بافت راموجب شده است. درپایان تشریح و توصیه خواهد شد که شرط لازم برای هم افزایی، انسجام وتقویت این سامانه و آفرینش بافتی کارکردی، تناسب و توازن در تغییرات همنشینی و جانشینی لایه های متفاوت متن/ بافت می باشد.

واژگان کلیدی: متن معماری، مناسبت همنشینی، مناسبت جانشینی، نشانه شناسی بافت، لایه های متن/ بافت.

Semiology Analysis of Kerman Historical Context Based on the Relation of Text/Context Layers

Abstract

The historical context of Kerman makes a valuable collection of urban texture and architecture of Iran, which has considerable properties regarding architecture and urbanism. Among the issues associated with semiotics is how architectural semiotic layers (text / context) are related to stability and dynamic architecture or systematic instability of architecture. In order to explain this in the current paper, besides describing the concepts of iconic, symbolic and indexical semiotics, aesthetic and social semiotic codes that are affected by the above concepts are also introduced. Then, three major approaches of semiotics, namely, Syntagmatic relation, Paradigmatic relation and cultural semiotics are explained; it is also determined how the constructed layers of the codes affected by this approach may strengthen, dynamite or destroy the system of the urban architecture and context of the studied area located in the historical context of Kerman. Accordingly semiotic analysis of the desired text / context in both past and contemporary period will determine how different constructing layers of the traditional text / context are increasingly and contextually related, and adversely, how in the current state, due to the disrupted relation of layers, including structural, functional, aesthetic and conceptual relation, the results syntagmatic and paradigmatic relations of these layers caused separation and perturbation of the contextual system. At the end of the article, it is recommended that to strengthen the system and create a coherent and functional tissue, it is required to cognition and congruence of syntagmatic and paradigmatic relations in different layers of text / tissue.

Keywords: text of architecture, syntagmatic relation, paradigmatic relation, semiotics of context, layers of text/context

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۳۴۰۸۷۴۵، رایانامه: alireza.ghafari4@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۱. مقدمه

فضـا، یـا یـک سـاختار فضایـی (هندسـی)، یـک متـن اسـت؛ شـهر چنیـن فضایـی اسـت. هـر شـهر سـاختاری اسـت کـه نشـانه‌های آن بـا سـاکنانش و بازدیدکنندگانش سـخن می‌گویـد و بـر معانـی ویـژه‌ای دلالـت می‌کنـد. در حقیقـت در مفهـوم نشـانه شـناختی، زبانـی (لایه‌هـای رمـزگان) و نظمـی بـرای هـر سـاختاری وجـود دارد کـه بـه واسـطه ایـن زبـان بیـن کسـانی کـه رمـزگان آن زبـان را بـه سـنجش بـرده و پذیرفته‌انـد ارتباطـی بـه شـکل معنـا حاصـل می‌شـود. نقشـه یـک شـهر، سـاختار و رابطـه کوچه‌هـا، رابطـه خانه‌هـا بـا یکدیگـر، رابطـه تمـام فضاهـا و دانه‌هـای محلـه بـا هـم و شـهر، روابـط فرهنگـی خاصـی بـرای سـاکنین آن فضـا می‌آفرینـد. بنابرایـن معمـاری و بافـت معمـاری نمونـه دقیقـی از یک سـاختار نظـام منـد اسـت کـه در درون خـود لایه‌هـای کارکـردی و زیباییشـناختی منحصـر بـه فـردی را داراسـت. صحبـت از کارکـرد عناصـر یـک نظـام، خـود پایـه نظـری نشـانه شناسـی اسـت. ولـی «نشانهشناسـی معمـاری»[۱] بـا ایـن فـرض کـه عناصـر معمـاری جـدا از کارکـرد خـود معناهایـی فراتـر را دلالـت می‌کننـد، راه خـود را از کارکـرد گرایـی[۲] جـدا می‌کنـد. «ایمـس راپوپـورت» [۳] بـر ایـن عقیـده اسـت کـه: «معنـا در قالـب نشـانه، مصالـح، رنـگ، شـکل، انـدازه، اثـاث، محوطـه و نظایـر آن مجسـم می‌شـود» (راپوپـورت، ۱۳۸۲، ص ۷۱). در واقـع او «نشـانه» را چیـزی غیـر از عناصـر معمـاری می‌دانـد، در حالیکـه از دیـد یـک نشـانه شـناس، تمـام ایـن عناصـر نشـانه انـد و در بسـتر سـاختار متنـی فضـای معمـاری در ارتبـاط بـا یکدیگـر معنـا سـازی می‌کننـد. ایـن همـان فرآینـد دلالـت[۴] اسـت. در ایـن پژوهـش بـر پایـه دانـش نشـانه شناسـی کـه هـر اثـری از جملـه بناهـای معمـاری و بافـت معمـاری بـه مثابـه یـک متـن اسـت، بـه ژرف کاوی لایه‌هـای متفـاوت تولیـد متـن (بافـت تاریخـی کرمـان) پرداختـه تـا مشـخص گـردد کـه چگونـه لایه‌هـای متـن[۵] (معمـاری/ بافـت) در سـطوح مختلـف رمزگانـی «همزمانـی»[۶] و «در زمانی»[۷] بـا یکدیگـر ارتبـاط سـامانه ای پویایـی داشـته و می‌تواننـد یکدیگـر را تقویـت و یـا تضعیـف نماینـد. مسـئله اصلـی بـر ایـن امـر اسـتوار اسـت کـه تعامـل لایه‌هـای مختلـف متـن (بافـت) چـه نقشـی در تعریـف پایـه‌ای یـک سـامانه منسـجم معمـاری همچـون بافـت تاریخـی کرمـان داشـته و چگونگـی ایـن نقش‌هـای نشـانه ای و ارزش‌هـای منبعـث از آنهـا، هـم افـزا و بافـت سـاز شـده و یـا در تقابـل بـا هـم قـرار گرفتـه و سـبب پاشـیدگی و عـدم انسـجام و پویایـی بافـت امـروزه می‌گـردد.

۲. روش تحقیق

نشانه‌شناسـی بـه عنـوان دانشـی کـه بـه تحلیل‌هـای متنـی می‌پـردازد، شـناخته شـده اسـت. بنابرایـن یکـی از ویژگی‌هـای آن توجـه بـه تحلیل‌هـای سـاختاری اسـت. تمرکـز تحلیل‌هـای سـاختارگرا بـر آن روابـط سـاختاری اسـت کـه در نظام‌هـای دلالتـی در یـک لحظـه‌ی خـاص وجـود دارنـد. در ایـن مقالـه بـا دیـدگاه تحلیلـی نسـبت بـه مفاهیـم و مولفه‌هـای نشـانه شناسـیک می‌نگـردد و بـا اسـتناد بـه ایـن مفاهیـم و نظریـات سـعی دارد کـه بـه کمـک تحلیـل سـاختارها بـر اسـاس مناسـبت‌ها و روابـط همنشـینی و جانشـینی بـه خوانـش لایه‌هـای مختلـف متـن (معمـاری بافـت) در بافـت تاریخـی کرمـان در محله‌هـای مـورد نظـر بنگـرد. نـوع اطلاعـات مرتبـط بـا موضـوع بـر پایـه زمینه‌هـای تاریخـی، تفسـیری و بـه ویـژه کالبـدی می‌باشـد. ضمـن بهره‌گیـری از ایـن اطلاعـات از گونـه تحقیـق اسـتدلالی – منطقـی نیـز در تحلیـل داده‌هـا اسـتفاده شـده اسـت.

۳. چارچوب نظری

نمـود مؤلفه‌هـای سـه گانـه پیـرس در رویکـرد نشانه‌شناسـی

برخـی نظریـه پـردازان دانـش نشـانه شناسـی همچـون چارلـز سـندرز پیـرس[۱۰] اعتقـاد دارنـد کـه «تنهـا در پرتـو نشانه‌هاسـت کـه می‌تـوان اندیشـید و تفکـر بـدون نشـانه امـکان پذیـر نمی‌باشـد». یکـی از مـوارد طبقـه بنـدی نشـانه کـه هنـوز بـه طـور گسـترده‌ای در مطالعـات نشـانه شـناختی بـه آن ارجـاع می‌شـود، طبقـه بنـدی سـه گانـه ای اسـت کـه پیـرس ارائـه کـرده اسـت. پیـرس، خـود ایـن طبقـه بنـدی را بنیادی‌تریـن تقسـیم بنـدی نشـانه‌ها می‌دانـد (Peirce, 1937-58: 564). پیـرس معتقـد اسـت سـه نـوع نشـانه وجـود دارد:

۱. **نشـانه‌های شـمایلی**[۱۳]؛ آن دسـته از نشـانه‌هایی کـه رابطـه بیـن دال و مولـول، مبتنـی بـر تشـابه اسـت. یعنـی دال از برخـی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جهـات (شـکل ظاهـری، صـدا، احسـاس) مشـابه مدلـول اسـت و یـا آن را تداعـی می کنـد.

۲. **نمادهـا یـا نشـانه‌های نمادیـن**[۱۴]؛ آن دسـته از نشـانه‌ها هسـتند کـه در آن دلالـت کننـده (دال)، هیـچ شـباهتی بـا مدلـول نـدارد. در واقـع «میـان صـورت (دال) و معنایـش (مدلـول)، رابطـه‌ای قـراردادی برقـرار اسـت» (ضمیـران، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

۳. **سـومین گـروه از نشـانه‌ها کـه از آنهـا بـه نشـانه‌های نمایـه‌ای**[۱۵] تعبیـر می‌شـود، آنهایـی هسـتند کـه مناسـب دال و مدلـول در آنهـا رابطـه‌ای اسـت علـت و معلولـی. بـرای مثـال نشـانه‌های طبیعـی (دود، جـای پـا)، نشـانه‌های پزشـکی (درد، ضربـان) و شـاخص‌هایی در زبـان (ضمایـر شـخصی، قیـد مـکان) و ... نمونه‌هایـی از نشـانه‌های نمایـه‌ای هسـتند کـه دلالـت از نـوع رابطـه علـت و معلولـی اسـت و نـه قـراردادی.

آنچـه لازم بـه ذکـر اسـت اینکـه: «نشـانه‌ها بـه تنهایـی معنـادار نیسـتند و فقـط وقتـی کـه در ارتبـاط بـا یکدیگرنـد، تفسـیر پذیـر می‌باشـند» (Chandler, 2008: 227). تولیـد و تفسـیر متـون بـه وجـود رمزگان[۱۶] یـا قراردادهـای ارتباطـی بسـتگی دارد. بنابرایـن معنـای نشـانه بـه رمـزی کـه در آن قـرار گرفتـه، بسـتگی دارد. منظـور از رمـزگان، مجموعـه نشـانه‌هایی اسـت کـه میان ارسـال کننـده پیـام و دریـاف کننـده آن پیونـد برقـرار می‌کنـد. «رمـزگان چارچوبـی را بـه وجـود مـی‌آورد کـه در آن نشـانه‌ها معنـا می‌یابنـد» (chandler, 2009: 221). بـر اسـاس طبقـه بنـدی پیـرس، سـه نـوع رمـزگان در دانـش نشـانه شناسـی قابـل تعریـف می‌باشـد کـه عبارتنـد از «رمـزگان علمـی (منطقـی)، اجتماعـی و زیبایـی شـناختی» (ماجـدی و زرآبـادی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). ویژگی‌هـای رمـزگان سـه گانـه و دامنـه کاربـرد آنهـا در جـدول ۱ مشـاهده می‌گـردد. بـر پایـه جـدول آنچـه بستر اصلـی ایـن نوشـتار بـر آن اسـتوار اسـت، نشـانه‌های شـمایلی و نمادیـن و در نتیجـه، رمزگان‌هـای زیبایـی شـناختی و اجتماعـی اسـت کـه ماهیتـاً بـا دانـش معمـاری قرابـت بیشـتری دارنـد.

جدول ۱. شاخص‌های رمزگان‌ها؛ ماخذ: ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۲.

شاخص‌های رمزگان‌های منطقی
ماهیت: بر اساس نظامی از اصول بدیهی دامنه کاربرد: باز نمایی عینی یک ساختار پیچیده انواع رمزگان: نظام‌ها، علامتی، قوانین و برنامه‌های آموزشی
شاخص‌های رمزگان‌های زیبایی شناختی
ماهیت: غالباً منش شمایلی دارند و با آفرینش همراهند و نشأت گرفته از تجربه احساسی هستند دامنه کاربرد: انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و موضوع انواع رمزگان: هنر، معماری، نقاشی و ..
شاخص‌های رمزگان‌های اجتماعی
ماهیت: موضوع در قالب نشانه، هویت خود را مشخص می‌کند، نشات گرفته از تجارب منطقی و احساسی دامنه کاربرد: سازمان دهی جامعه و فرهنگ انواع رمزگان: آئین‌ها، مراسم و ...

٤. بازنمـود اندیشـه‌های نشانه‌شناسـی در تحلیـل متـن معمـاری

هـر متـن اجتماعـی بـه (ماننـد معمـاری) حامـل پیـام و یـا مجموعـه‌ای از رمزگان‌هـا بـوده کـه بـه وسـیله روابـط دلالتـی و روابـط درون متنـی[۱۷] بـه مخاطـب انتقـال داده می‌شـوند. مخاطـب نیـز بـا توجـه بـه شـبکه شـکل دهـده متـن، لایه‌هـا، روابـط درون متنـی و از طریـق قراردادهـای اجتماعـی و فرهنگـی و برداشـت‌های ذهنـی خـود، بـه دریافـت و رمـز گشـایی[۱۸] و معنـا سـازی بـرای متـن، همـت می‌گمـارد. بـر پایـه دانـش نشـانه شناسـی، هـر اثـری بـه ماننـد یـک بنـای معمـاری بـه مثابـه یـک متـن اسـت کـه خوانـش آن عبـارت اسـت از؛

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

تأویل نشانه‌های آن توسط کاربر فضا. از این منظر «معماری نیز نوعی زبان است» (شولتز، ۱۳۸۷، ص ۵۳۱) و از آنجا که «زبان نظامی است از واژه‌های وابسته به هم» (Saussure, 1966: 774)، یک اثر معماری متنی است که کلمه‌های آن احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل دهنده بنا بوده که ضمن وابستگی معنایی به هم از طریق رمزگان‌های زیبایی شناختی و اجتماعی – فرهنگی، پیام خود را انتقال می‌دهند. معماری، یک متن لایه‌ای فضایی است و مانند هر متن دیگر در دنیای امروز، دارای مضامین و معناهای متعدد است. مخاطب با سفر در این متن/ بافت، با توجه به زمینه‌های فرهنگی خود و بستر فرهنگی طرح معماری، به معنا سازی برای طرح می‌پردازد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیبایی- شناختی و ... در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرآیند نشانگی، نقش نشانگی و نظام نشانگی، لایه‌های سیستمی: لایه کارکردی، اقتصادی، زیبایی شناختی، اجتماعی، فرهنگی، زمان و لایه معنا به صورت روابط همنشینی و همزمانی بایکدیگر، متن لایه گون معماری را شکل می‌دهند.

٤.١. روابط همنشینی و جانشینی درخوانش متن معماری (معماری به مثابه متن)

بر اساس مباحث پایه‌ای دانش نشانه‌شناسی، یک متن (اعم از یک متن ادبی یا یک اثر هنری)، محصول دو جریان کلی به لحاظ چگونگی ترکیب و ترتیب عناصر سازنده آن می‌باشد که معنا، مفهوم و کارکرد آن را بنیان می‌دهد؛ که عبارتند از روابط همنشینی و جانشینی (که به لحاظ زمانی می‌توان از آنها به روابط همزمانی[19] و روابط در زمانی[20] تعبیر نمود). روابط همزمانی در دانش نشانه شناسی آن دسته از روابطی است که ناظر بر ترکیب زمانی عناصر یک متن می‌باشد. مقصود از روابط همنشین در واقع شیوه‌های متفاوتی است که عناصر درون یک متن را به هم می‌پیوندد. «روابط همنشین اهمیت روابط جزء به کل را برجسته می‌کنند» (سجودی، ۱۳۹۰،ص ۵۷). سوسور می‌گوید، «کل وابسته به اجزاء است و اجزاء وابسته به کل» (Saussure, 1987: 126). «روابط جانشینی می‌توانند هم در سطح دال و هم در سطح مدلول عمل کنند» (Chandler, 2009: 127). مجموعه عناصر جانشین، مجموعه‌ای از دال‌ها یا مدلول‌های مرتبط با هم است که اعضای آن همگی عنصری از یک مقوله معین و متفاوت می‌باشند.

نکته حائز اهمیت این بحث ان است که هم مناسبت‌های همنشینی و هم مناسبت‌های جانشینی، در شکل گیری سامانه جامع معماری متن‌وار، مؤثر و در تعامل با یکدیگر می‌باشند. هر متنی قبل ازآنکه محصول آفرینش فردی مؤلفی باشد، نتیجه عملکرد پیچیده شبکه‌ی رمزگان‌های فرهنگی می باشد، که هم وجه، در زمانی دارند و هم وجه همزماتی، و همچنین روابط بنیامتنی است که آن متن را به تاریخ انباشته فرهنگ در حقوق دیگر مرتبط می‌سازد. به این ترتیب «هر متن، پیوسته در نظامی از روابط همنشین با لایه‌های دیگر و مجموعه‌ای از روابط جانشینی با تاریخ خود، متون دیگر و فرهنگ قراردارد» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۵). بازخوانی رمزگان‌های اجتماعی و زیبایی شناختی آن بایستی بر پایه روابط بنیامتنی صورت پذیرد. بنابراین سامانه یک متن وبه طور خاص یک اثر معماری متن وار و فضای شهری، بیانگر ارتباطی است که بین لایه های متنی می‌تواند برقرار شود و بسته به چگونگی بر هم کنش لایه‌ها، سازمان درونی و بیرونی آنها، این ارتباط می‌تواند بافت ساز باشد یا بافت زدا. برای مثال در مقایسه تطبیقی نحوه ارتباط و پیوستگی محله‌ها در گذشته و محله‌های امروزی شاهد، جایگزینی تدریجی رمزگان‌های اجتماعی – فرهنگی و زیبایی شناختی، عنصری واسط به نام مرکز محله در سیری در زمانی بود که این اتفاق فضایی نهایتاً به غیاب عنصری به نام مرکز محله یا میدان محله‌ای که در آن دانه بندی‌های فضایی، عناصر و اجزاء آن با هماهنگی بی‌نظیری، چیدمان شده‌اند، منجر می‌گردد.

۵. ویژگی‌های کلی بافت تاریخی کرمان

ساختار فضایی معماری محله ها، مرکز محله‌ها، بازارها، حمام‌ها، مساجد و دیگر بناهای عمومی و خصوصی، حیاط های بزرگ و کوچک و معابر، بافت بسیار منسجمی را به وجود اورده‌اند. در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

یـک کلام مـا بـا سـاختارهای محکـم روبـرو هسـتیم. «در جوامـع سـنتی ایـن چهـار نظـام: فضـا، مفاهیـم، ارتباطـات و زمـان وحـدت بیشـتری داشـتند و همسـازتر بودنـد» (راپاپـورت، ۱۳۸۲، ص ۷۳). ارتبـاط لایه‌هـای کارکـردی، اجتماعـی، فرهنگـی، اقتصـادی و ...، بافـت منسـجم و پویایـی را بـرای حیـات آدمیـان فراهـم کـرده اسـت. محلـه هـای پامنـار، بـازار شـاه و ناصریـه، از قدیمی‌تریـن و منسـجم‌ترین محله‌هـای کرمـان می‌باشـند کـه دارای عناصـر، بناهـای ارزشـمند و مرکـز محله‌هـای پویـا در زمـان خـود بوده‌انـد. ایـن محلـه در فاصلـه‌ای نـه چنـدان دور از مرکـز شـهر و راسـته بـازار اصلـی قـرار داشـته و در ارتبـاط بـا بـازار و فعالیت‌هـای پیرامونـی آن، بوده‌انـد (شـکل ۱ و ۲، محله‌هـا در قدیـم و بافـت جدیـد).



شکل ۱. عکس هوایی بافت محله‌های کرمان (۱۳۳۵)



شکل ۲. عکس هوایی بافت محله‌های کرمان (۱۳۹۴)

٦. همگرایـی و همنشـینی در خوانـش لایه‌هـای بافـت

مطابـق بـه چارچـوب نظـری و مباحـث نظـری نشـانه شناسـی ارائـه شـده در بخش‌هـای قبـل، می‌تـوان چنیـن اسـتنباط نمـود کـه از منظـر نشـانه شـناختی، آنچـه سـبب گردیـده تـا بافـت تاریخـی کرمـان در بـرش تاریخـی مربـوط بـه زمـان خـود کارا باشـد، ایـن اسـت کـه لایه‌هـای متنـی سـامانه، در ارتباطـی بافـت سـاز بـا یکدیگـر قـرار داشـته و برآینـد ایـن ارتبـاط کـه متأثـر از مناسـبات همزمانـی و در زمانـی مربـوط بـه خـود بـوده اسـت، فرآینـدی همافـزا تلقـی شـده اسـت. بـه ایـن معنـا کـه اجـزای مختلـف سـامانه بافـت تاریخـی کرمـان، اعـم از اجـزای سـاختاری، کارکـردی، اجتماعـی – فرهنگـی، زیبایـی شـناختی، معنایـی و غیـره در رابطـه نحـوی و نظام‌منـد بـا یکدیگـر قـرار داشـتند و منجـر بـه آفرینـش بافتـی پویـا و منسـجم در عیـن زیبایـی و عملکردگـرا بـودن آن شـده‌اند.

٦.١. نشانه‌شناسی فرهنگی بافت

نشانه‌شناسـی فرهنگـی، نشـانه‌ها را در ارتبـاط بـا روابـط فرهنگـی و مناسـبات انسـان‌ها برررسـی می‌کنـد. «نشـانه شناسـی، چیزهـا و کنش‌هـای درون یـک فرهنـگ را نشـانه می‌پنـدارد و از ایـن راه درصـد اسـت تـا قوانیـن و مقرراتـی کـه اعضـای آن فرهنـگ، خـودآگاه یـا ناخـودآگاه، پذیرفته‌انـد و بـا آن هـا بـه پدیده‌هـا معنـی داده‌انـد، تشـخیص دهـد» (culler, 2007: 35). در طـرح معمـاری بافـت محله‌هـای مـورد مطالعـه نیـز، هـر عنصـر مـادی (اجـزاء تشـکیل دهنـده بافـت و بنـا) یـا هـر سـاختار فضایـی (فضـا سـازی و تحمیـل کنش‌هـای مشـخص انسـانی در آن فضـا) در متـن /بافـت، دالهایـی را در پـی دارد کـه بـا سـاخت فرهنگـی زمینـه اثـر، در ارتبـاط متقابـل اسـت. بـه تعبیـر امبرتواکـو[۲۲]، «کارکردهـای اشـیاء در معمـاری بـه جـز دلالـت عیـن یـا یـک بـه یـک خـود، می‌تواننـد بـه واسـطه ایدئولـوژی خاصـی، دلالـت ضمنـی هـم داشـته باشـند» (Eco, 1997: 187). دلالت‌هـای عینـی بیشـتر بـر اسـاس لایـه فایـده، عملکـرد، سـهولت و تعاریـف جهانـی شـکل می‌گیرنـد، ولـی دلالت‌هـای ضمنـی بیشـتر مسـئول انتقـال احساسـات و ارتباط‌هـای انسـانی و طـرح لایـه‌ای ایدئولـوژی ویـژه هسـتند.

بافـت محله‌هـا در کرمـان بـه دلیـل دارا بـودن ریشـه هـای اعتقـادی و مذهبـی، ایدئولـوژی خاصـی را طـرح می‌کنـد. درواقـع محرمیـت بافـت محلـه ای مطـرح اسـت کـه از لایـه بـرون بـه فضـای درونـی عناصـر معمـاری و بناهـا انتقـال داده مـی شـود. بـه ایـن معنـا کـه هرچـه

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ازبیـرون بافـت بـه درون بافـت، مرکـز محله‌هـا، فضـا هـای خصوصـی و عمومـی بناهـا وارد می‌شـویم؛ جزئیـات، عناصـر تزئینـی و محرمیت‌هـای خانـواده و اهالـی آنهـا بیشـتر و پـر رنگ‌تـر می‌شـود. بـه تعبیـری نشـانه شـناختی، هـر نشـانه بافـت و بنـا بـه عنـوان رمزگانـی بـا دلالـت ضمنـی، ایدئولوژیـک یـا اجتماعـی- فرهنگـی، در رابطـه همنشـینی ویـژه‌ای بـا رمزگان‌هـای کارکـردی و دیگـر رمـزگان نحـوی قـرار می‌گیـرد.

٦.٢. ساختار هزارتویی لایه‌ای بافت

لایـه مربـوط بـه فـرم و سـاختار هندسـی بافـت، عمدتـاً در تعاملـی هـم افـزا بـا لایـه مربـوط بـه نظـام ایدئولوژیـک زمـان خـود می‌باشـد و همزمـان بـه لایـه نیازهـای اقلیمـی نیـز پاسـخی مناسـب و بافـت سـاز ارائـه مـی دهـد، در حقیقـت «رمـزگان نحـوی»[21] منطـق همنشـینی دانـه بنـدی بافـت را، در نظـر دارد. بـه ایـن معنـی کـه «عناصـر معمـاری بـر اسـاس منطـق خاصـی در رابطـه همنشـینی در کنـار یکدیگـر قـرار می‌گیرنـد و دلالـت معنایـی ایجـاد می‌کننـد» (Eco, 1997: 193). ماننـد رابطـه کوچـه بـا خانه‌هـا، کوچـه بـا مرکـز محلـه، ورودی بـا حیـاط و کالبدهـای معمـاری بـا کاربری‌هـای متفـاوت در همجـوار یکدیگـر. درواقـع اسـاس کار، سـاختار لابیرنتـی (هـزار تویـی) می‌باشـد. در سـاختار هـزار تویـی، کوچه‌هـا پـر از پیـچ و خم‌انـد و هیـچ جـا نمی‌تـوان ایسـتاد و تـا انتهـا را دیـد. در معمـاری محلـه هـا، تظاهـر بیرونـی کمتـر وجـود دارد و همـه شـکوه و توجـه بـه درون اسـت. سـاختار پیچیـده کوچه‌هـا عـلاوه بـر محرمیت‌هـا، بحـث کنتـرل بـاد را بـه عهـده دارد. همچنیـن طـی کـردن ایـن مسـیر و ناظـر بـودن بـر پرسـپکتیوهای متفـاوت و زیبـا کـه گاهـاً چهـره آسـمان کـم می‌شـود و دوبـاره پیـدا می‌شـود و در نهایـت رسـیدن بـه خانـه و یـا مرکـز محلـه کـه فضایـی بـه تمـام معنـا بـا شـکوه و عملکـردی را پدیـد مـی‌آورد. همنشـینی چنیـن لایه‌هایـی (کارکـردی، اقلیمـی، زیبایـی شـناختی و اجتماعـی- فرهنگـی)، بافـت سـاز بـودن را بـه همـراه دارد.

٦.٣. جهـت حرکـت در نشانه‌شناسـی معمـاری محله‌هـا: از بیـرون بـه درون، از حاشـیه بـه مرکـز

یکـی از مباحـث اصلـی نشـانه شناسـی (بـه ویـژه نشـانه شناسـی معمـاری) حرکـت درون یـک متـن اسـت. حرکـت درون فضـای معمـاری نـه تنهـا کارکـردی ابتدایـی و فایـده گـرا دارد، بلکـه در سـطح‌ها و رمزگان‌هـای اجتماعـی- فرهنگـی و زیبایـی شـناختی مطـرح اسـت. در نشـانه شناسـی معمـاری، «متأثـر از نظریـات فردینـان دوسوسـور[22]، تقابـل بیـن بیـرون و درون را در قیـاس بـا تقابـل دال و مدلـول قـرار داده‌انـد» (Noth, 1995: 437). بـه ایـن ترتیـب، آنچـه تلقـی مـا از بیـرون بافـت ویژگـی فیزیکـی نشـانه اسـت و آنچـه درون بافـت محلـه هـا و درون بناهـا می‌بینیـم، ویژگـی ذهنـی نشـانه اسـت. در حقیقـت نشـانه از لایـه بـرون بـه درون، حرکـت بـه سـوی مدلـول اسـت کـه وجـه ذهنی و معنایـی نشـانه و عمـق متـن را رهبـری می‌کنـد. آنچـه لازم بـه ذکـر اسـت اینکـه بـه غیـر از تقـارن، رعایـت وزن و تناسـبات، نظـام خـاص حرکتـی از لایـه‌ای بـه لایـه دیگـر حاکـم اسـت. حرکـت از بیـرون بافـت و محله شـروع می‌شـود و هـر آنچـه دیـده می‌شـود، دیوارهـای یکدسـت و بلنـد سـاده‌ای، کـه کمتـر روزنـه‌ای دارنـد و نظـم لایـه‌ای و ارتباطـی اسـت کـه بـا آن می‌تـوان بـه هـر نقطـه دلخـواه از فضـا رسـید. همـه نگاه‌هـا، معطـوف بـه مرکـز محلـه و حیـاط خانه‌هاسـت. هـر چـه هسـت گـذر از لایـه‌ای بـه داخـل لایـه‌ای درونـی، کـه سـاختار اصلـی اسـت.

٦.٤. تقابل لایه‌ای بیرون و درون بافت

تکثـر و تنـوع فضاهـا و کاربـری هایـی بـا کارکردهـای متنـوع در محله‌هـا ی کرمـان کامـلاً مشـهود اسـت. ایـن کارکردهـا را در سـه بخـش می‌تـوان طبقه‌بنـدی کـرد: «فضاهـای عمومـی» ماننـد: مسـاجد، تکیه‌هـا، حمامهـا و ...؛ «فضاهـای خوصـی» بـه ماننـد: خانه‌هـا و فضاهـای درون خانـه همچـون: شـاه نشـین، پنـج دری، تـالار و ...؛ «فضاهـای میانـی» کـه در واقـع مـا بیـن فضاهـای عمومـی و خصوصـی قـرار می‌گیرنـد. اگـر از بیـرون بافـت بـه درون بافـت حرکـت کنیـم، فضاهـای میانـی یـا واسـط، بیـن دو قطـب دیگـر وجـود دارنـد کـه اتفاقـاً بـه دلیـل واسـط بـودن بـه گونـه‌ای پارادوکسـی،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

هـم ایـن دو قطـب را تهدیـد می‌کننـد و هـم فاصلـه بیـن آنهـا را حفـظ می‌کننـد. بـه بیانـی دیگـر، حرکـت از لایه‌هـای بیرونـی بـا سـاختار و هویـت خـاص خـود بـه لایه‌هـای درونـی بـا سـاختار و هویـت خـاص دیگـر، از طریـق لایـه‌ای میانـی، در متـن/ بافـت محلهها صـورت می‌گیـرد کـه همگـی آنهـا بـرای تشـکیل بافتـی بـا سـاختارهای متفـاوت الزامـی می‌باشـد. بـا توجـه بـه آنچـه ذکـر شـده، ذکـر ایـن نکتـه ضـروری اسـت کـه منظـور از هـم افزایـی و بافـت سـاز بـودن لایه‌هـا، ارتبـاط تمامـی لایه‌هـا اعـم از ایدئولوژیـک، کالبـدی، اقلیمـی و اجتماعـی و ... بـه نحـوی کارآمـد در سـاخت و تعریـف هویـت بافـت/ متـن معمـاری می‌باشـد. در جـدول زیـر شـاخص‌های لایه‌هـای رمـزگان در آفرینـش بافـت، سـه محلـه مـورد مطالعـه در کرمـان بیـان شـده‌اند (جـدول ۲).

جدول ۲. خوانش بافت محله‌های مورد مطالعه در گذشته، از منظر نشانه شناختی و لایه‌های رمزگان؛ ماخذ: نگارنده.

لایه رمزگان	عنوان	مصادیق / شاخص‌ها	محله پامنار	محله بازارشاه	محله ناصریه
فرهنگی اجتماعی	میان شالوده‌ای	اجتماعی و فرهنگی	اتحاد محلی، اجتماع قانون مدار و ارزش‌مدار		
		مذهبی	اعتلای ساختاری، تبیین ارزش‌ها		
		آموزشی	نهادمحوری، هم‌سویی ارمانی		
		اقتصادی	رشد، ارزش افزوده		
		تعلق اجتماعی، انسجام، وجود نمادها، هنجارهای خاص، ساختار و نظم اجتماعی و سیاسی و حس تعلق، بافت ساز بودن محله را موجب شده است.			
زیباشناختی	کالبد معماری	فرم	منسجم، سلسله مراتب از کل به جزء، توجه به درون		
		تناسبات	توجه به نیازهای انسانی، همخوانی با محیط و کالبد مجاور		
		تزئینات	پرهیز از شمایل‌گرایی، متأثر از لایه‌های ایدئولوژیک اسلامی		
		ساختار هندسی	ساختار هزارتویی، نظم در بی‌نظمی		
	معنا	دلالت‌های مستقیم	فرم و کالبد بیان کننده نوع کاربری		
		دلالت‌های ضمنی	اشاره به نمادها، تشبیهی و ارجاع به طبیعت		
		ترفندهای بلاغی	نگاره‌ای، انتزاع و خلاقیت در شکل و جزئیات عناصر		
		روابط بنیامتنی	تقابل درون و برون، حرکت از بیرون متن به درون متن، تفسیر معانی متفاوت متن / بافت		

۷. انسجام‌زدایی سامانه بافت محله‌های معاصر کرمان

متـن/ بافـت، همانطـور کـه گفتـه شـد، شـبکه‌ای بـاز اسـت و متشـکل از لایه‌هـای متنـی متفـاوت کـه خـود حاصـل رمـزگان متفاوتنـد. از آنجـا کـه معمـاری بـه مثابـه متـن «حاصـل عملکـرد نظام‌هـای مختلـف نشـانه‌ای اسـت» (سـجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳) و بـا بسـیاری از شـاخص‌های دیگـر فرهنگـی، اجتماعـی، سـاختاری و غیـره در تبـادل سـامانه‌ای می‌باشـد، «در طـول حیـات در زمانـی‌اش دچـار تغییراتـی می‌شـود کـه ناشـی از دگرگونی‌هـای فرهنگـی، تغییـر در سـاختارهای اجتماعـی و نظام‌هـای ارزش و معناسـت» (سـجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳). امـا ایـن رابطـه و تبـادلات سـامانه‌ای متقابـل بیـن لایه‌هـای نظام‌هـای فرهنگـی، اجتماعـی، اقتصـادی، سـاختاری، زیباشناسـی و ایدئولوژیـک آنـگاه می‌تواننـد در متـن/ بافـت معمـاری، هم‌افـزا گردنـد کـه کلیـت و سـاختار بافتـی منسـجم و پویـا را آفریـده وآن را تقویـت و حفـظ نماینـد. لیکـن در ادامـه بـه مـواردی اشـاره خواهـد شـد کـه نشـان می‌دهـد کـه در بافـت محله‌هـای امـروز بـه دلیـل بـه هـم خـوردن نظـام لایه‌هـای ذکـر شـده، شـاهد رویکـردی تخریبـی می‌باشـیم کـه ایـن امـر سـبب بـروز اغتشـاش سـامانه‌ای بافـت و در نهایـت ناکارایـی محله‌هـای امـروزی در بافـت را موجـب گردیـده اسـت. نمونـه اولـی کـه بـرای ایـن تغییـرات در زمانـی (از نـوع مخـرّب) می‌تـوان بـه آن اسـتناد نمـود، تغییـرات فضایـی در نظـام محلـه و مرکـز محلـه می‌باشـد. بـه ایـن معنـا کـه بـا بهـم ریختـن نظـام لایـه‌ای فرهنگـی، اجتماعـی و اقتصـادی، سـاختار محلـه بـه هـم می‌ریـزد. توضیـح آنکـه در نظـام محلـه‌ای سـنتی، نظـام

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

فضایی به نحوی می‌باشد که همنشینی فضاهای عمومی، مرکز محله و فضاهای خصوصی همچون خانه‌ها، کوچه‌ها، هماهنگ و هم‌افزا می‌باشد و انسجام کلیت متن/ بافت، پاسخگوی نیازهای فضایی، اجتماعی خود می‌باشد. در حالی که در محله های امروزی، به دلیل تغییرات در زمانی مرز بین محله‌ها و فضاهای عمومی و خصوصی از بین رفته و در واقع ماهیت محله و دانه‌بندی عناصر آن دچار اغتشاش شده است. دلایل آن را می‌توان به:

۱. نفوذپذیری به مرزهای محله‌ها به علت الزامات شهرسازی (به مانند خیابان‌کشی و عبور پل و ...)

۲. تغییر ماهیت مرکز محله از یک فضای پویا و کارآمد اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی به تقاطع ها و پارکها

۳. ورود تکنولوژی نوین ارتباطی و اطلاعاتی

۴. عدم توجه به اقلیم و دانه‌بندی صحیح و متوازن در بافت/ متن محله و در نهایت عدم توجه به انسجام و یکپارچگی محله ها

۵. نادیده گرفتن پتانسیل‌های محله‌ای و در نهایت به بی‌هویتی درون محله‌ای اشاره کرد.

نمونه دومی که برای این تغییرات می‌توان اشاره کرد، برخی تغییرات فضایی خانه امروزی می‌باشد. در نظام لایه‌ای مسکن سنتی در گذشته، ترکیب فضایی به گونه‌ای بود که همنشینی لایه‌های فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی با سایر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی متن / خانه، در برش تاریخی خود، همسو و هم‌افزا است. در حالی که درنظام الگویی معاصر خانه در بافت، حریم سکونتی و در حقیقت حجاب سکونتی بافت، به دلیل به هم ریختن لایه اجتماعی – اعتقادی، معنایی دیگر یافته است (جدول ۳).

جدول ۳. مقایسه الگوی فضایی گذشته و معاصر محله های مورد مطالعه؛ ماخذ: نگارنده

الگوی فضایی / زمان	فضای عمومی باز	فضای خصوصی باز	فضای عمومی بسته	فضای عمومی نیمه بسته	فضای خصوصی بسته
گذشته بافت	میدان محله	مرکز محله	مسجد، تکیه، حمام و ...	ساباط، دالان‌ها	حیاط‌های اندرونی و بیرونی
وضع موجود	ندارد	پارک‌ها	مسجد	ندارد	بصورت مشاع

نمونه سومی که برای این تغییرات نظام لایه‌ای می‌توان به آن استناد کرد این است که به دلیل روابط درزمانی شکل گرفته در طی زمان، کاربری های محله همانند مساجد و بخصوص خانه‌ها در چهره بیرونی خود، به عنصری بصری دارای ارزش مادی تبدیل شده است. در حقیقت کیفیت منظر ذهنی و درونی به منظر عینی و بیرونی تبدیل شده است. به این معنا که برخلاف الگوی غالب در عناصر محله در گذشته که غالباً توجه به درون اهمیت داشت و آدمیان با سلسله مراتبی پیچیده و هماهنگ با بازی نور و سایه‌ها در پیچ و خم کوچه‌ها (که هم کارکردی بود و هم اقلیمی)، با سرزندگی به عرصه خصصی خود نزدیک و وارد می‌شدند. به گونه‌ای دیگر شأن و اعتبار منظر خانه و بناهای دیگر محله در لایه‌ای خصوصی‌تر خود را به نمایش می‌گذاشت. اما برآیند این عوامل و لایه‌ها در سیر درزمانی خود سبب شد تا چهره بیرونی عناصر بافت اهمیت بیشتری پیدا کرده و در مواردی، خانه‌های امروز بافت به عنصری بصری تبدیل شده است. این عنصر بصری گاهی جهت نمایش شئون اجتماعی مالک نیز می‌باشد. این تغییر حالت در واقع

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در مناسبات درزمانی، به متن/ بافت اضافه شده و رویکردی تقابلی دارد نه هم‌افزا و بافت‌ساز.

نمونه چهارم برای بیان این واپاشی و به هم ریختگی در لایه‌های بافت محله‌های معاصر، عدم انتقال پیام و مفهوم و در واقع عدم وجود مبانی نظری از جانب فرم‌ها و کالبد بناهای جدید می‌باشد که منجر به ناسازگاری صورت و محتوا شده است. دلیل آن را می‌توان به عدم توجه و عدم هماهنگی لایه‌های تشکیل دهنده بافت از جمله، عدم تناسب لایه‌های هندسی با لایه‌های کارکردی، عدم تناسب الگوهای فرم با عملکرد، عدم تناسب الگوی مصالح با کاربری و بافت همجوار، عدم تناسب الگوی برنامه‌ریزی کالبدی معماری بناها با نیازهای اجتماعی ساکنین و غیره اشاره کرد. در واقع تمامی این عوامل منجر به عدم خوانایی و ظهور معنا و مفاهیم در فرم‌ها و کالبد جدید می‌گردد. آنچه لازم به ذکر است، اینکه با ذکر مواردی از ناسازگاری و تغییرات درزمانی و هم‌زمانی در طی زمان درساختار معماری بافت محله ها، شاهد عدم انسجام و همگنی می‌باشیم. در واقع با به هم ریختن شاخصه‌های لایه‌های رمزگان تشکیل دهنده بافت، با ساختار و متنی بافت زدا، روبرو هستیم که نه کارکردی است و نه مفاهیمی را از زمانه خود به مخاطب خود انتقال می‌دهد.

۸. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بر پایه آنچه بیان شد، هر متن/ بافت معماری، از لایه‌های متعدد و همنشین با یکدیگر تشکیل شده که می‌توان نشانه‌های سازنده بافت تاریخی را در تحلیلی نشانه شناختی همچون یک متن، بازخوانی نمود. محله‌های تاریخی کرمان دارای ساختار و بناهایی هستند که در چندین لایه و سطح با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. خلاف معماری و طراحی شهری سرگشته امروزی ایران، در این بافت‌ها، شاهد مهارت خاصی در استفاده از عناصر معماری و رمزگان‌ها هستیم تا علاوه بر کارکرد ابتدایی در چند سطح؛ رمزگانهای اجتماعی - فرهنگی، کارکردی، زیبایی شناختی و معنایی با فرهنگ مردمی که در آنها سکنی داشته‌اند و در سطح کلان‌تر با اجتماع، در هماهنگی تمام می باشند. سامانه‌های متن/ معماری از جمله متن/ محله‌های مورد مطالعه ضمن اینکه حاصل رمزگانهای مختلف می‌باشند، متأثر از مناسبات همزمانی و درزمانی بین لایه‌های معماری (ساختار، ارتباطات فضایی، ترکیب احجام، پیکره‌بندی و غیره) و لایه‌های فرامعماری (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیبایی شناختی و غیره) می‌باشند که می‌توانند در راستای روابط همنشینی و جانشینی، یکدیگر را تقویت یا تخریب نمایند. نتیجه همسو بودن این لایه‌ها، هم‌افزایی در سامانه متن/ بافت محله‌ها خواهد بود که به انسجام بیشتر و پویایی آن منجر خواهد شد؛ همچنانکه طبق شواهدی که به آنها اشاره گردید، این هم‌افزایی، ارتباط لایه‌ها در بافت‌های تاریخی کرمان و بخصوص در محله‌های مورد مطالعه، سبب ایجاد بافتی یکدست و هماهنگ و در عین حال کارکردی شده است. اما چنانچه تعادل و ارتباط بین لایه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کارکردی، معنایی، زیبایی شناختی و ...، در معماری و ساختار محله‌ای امروز از بین برود و لایه‌های متن/ بافت، نسبت به هم نقش غیرهمگن و منفی ایفا کنند، نتیجه آن عدم انسجام و واپاشی سامانه بافت محله‌ای امروزی خواهد بود. در جدول شماره (۴)، روابط و شاخص‌های لایه‌ها در گذشته (بافت ساز بودن و انسجام محله‌ها) و در امروز (عدم انسجام و واپاشی محله ها) با هم قیاس شده‌اند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۴. مقایسه شاخص‌ها و زیرلایه‌های رمزگان در ساختار شکل گذشته و معاصر محله های مورد مطالعه

لایه رمزگان	نمونه‌های موردی / شاخص‌های زیر لایه‌ها	محله پامنار در گذشته	محله پامنار در بافت معاصر	محله بازار شاه در گذشته	محله بازار شاه در بافت معاصر	محله ناصریه در گذشته	محله ناصریه در بافت معاصر
اجتماعی - فرهنگی	رابطه با بافت	رابطه هماهنگ، تعلق اجتماعی	رابطه متضاد، عدم انسجام	رابطه هماهنگ، انسجام	رابطه متضاد	رابطه هماهنگ	رابطه متضاد
	روابط درون فرهنگی	توجه به قراردادهای اجتماعی و مذهب	از میان رفتن مفاهیم ضمنی	توجه مستقیم به قراردادهای اجتماعی، ارزشهای دینی	عدم توجه به روابط انسانی، مدنی	نهادی انسانی- مدنی، توجه به توافق ضمنی	عدم توجه به قراردادها و روابط اجتماعی
	زیست محیطی	سازگار	عدم سازگاری	سازگار	عدم سازگاری	سازگار	عدم سازگاری
	اقلیم و بوم	همسو با اقلیم، معماری بومی	عدم بهره‌گیری مناسب از نور	همسو با اقلیم، معماری بومی	جهت‌گیری نامناسب بناها، عدم بهره‌گیری از اقلیم	همسو با اقلیم، معماری بومی	عدم بهره‌گیری از نور مناسب، سایه‌اندازی روی بناها

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

زیبایی شناختی	حجم	خالص، کوتاه	نامنظم، بیان مدرن، بلند	خالص، کوتاه	بیان مدرن احجام	خالص، کوتاه	نامنظم، بلند
	فرم	منظم، حیاط مرکزی	نامنظم، ناهماهنگ با محیط	منظم، حیاط مرکزی	توجه به برون	منظم، حیاط مرکزی	توجه به برون، عدم انسجام
	تناسبات	هندسی، همخوان با نیازهای انسانی	بیان جدید از هندسه‌ای بدون تعریف	همخوانی با محیط مجاور کالبد	توجه به هندسه مدرن و بی‌نظمی	هندسی، منظم، همگن با کالبد مجاور	هندسه مدرن، عدم توجه به نیازهای انسانی
زیبایی شناختی	فضا	انسانی	غیرانسانی، عدم تشخیص کاربری از برون	انسانی	توجه به شکل و فرم، عنصری بصری	انسانی	عدم تشخیص کاربری از بیرون، غیرانسانی
	آرایه‌ها	پرهیز از شمایل‌گرایی، توجه به ایدئولوژی زمانه	بدون تزئینات	انتزاعی و متأثر از ایدئولوژی زمانه	عدم تعریف زیبایی	انتزاع و هماهنگی با اعتقادات، هنر و متأثر از مذهب	بیانی مدرن از زیبایی
	خط آسمان	تعریف خط آسمان و قاب‌بندی آن	آشفتگی، عدم تعریف	خط اسمان سه بعدی، تعریف از طریق آرایه‌های (قطاره بندی)	عدم تعریف	تعریفی سه بعدی، قاب‌بندی آسمان	عدم تعریف

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کارکردی	کارکرد بنا	نظام مناسب	نامناسب، تقابل فضاها	بسیار مناسب	نامناسب، عدم سازگاری کالبد و کاربری	بسیار مناسب	عدم سازگاری کالبد و کاربری
	رابطه اجزاء و کارکرد	هماهنگ، روابط متعادل اجزاء	عدم سازگاری	هماهنگ	عدم سازگاری	هماهنگ	عدم سازگاری
معنا	ترفندهای بلاغی	انتزاع، خلاقیت نگاره‌ای، اشاره به طبیعت	غیرمستقیم نگاره‌ای، توجه به خودنمایی	نگاره‌ای، انتزاعی، اشاره به طبیعت	عدم خلاقیت، خودنمایی دربیان مصالح	خلاقیت، انتزاع نگاره‌ای	عدم توجه به انتزاع و خلاقیت
	معناسازی	دلالت مستقیم در بیان معنا در رابطه کل به جزء و فرم و کالبد در بافت	عدم تعریف مفاهیم و معنا در ساختار جدید	بیان رمزی مفاهیم و معنا در شکل‌ها و ساختار هندسی بافت	تعریف نامناسب از رابطه کل به جز در مفاهیم و رابطه فرم و معنا	دلالت مستقیم در بیان معنا در رابطه فرم و کالبد	عدم دلالت مستقیم در رابطه فرم و معنا
	روابط بینامتنی	حرکت از بیرون به درون متن / بافت	عدم تفسیر معانی	تقابل درون و بیرون، تفسیر معنایی متفاوت در متن/ بافت	عدم تعریف معنا	تفسیر معانی متفاوت در متن/ بافت	عدم روابط بینامتنی

مقاله حاضر با اهدافی چندگانه نگاشته شده است؛ نخست اینکه، سعی بر این بود که در ادبیات نقد معماری ایران، روش نقد نشانه شناسی به گونه‌ای قابل فهم و دور از نظریه پردازیهای پیچیده معرفی شود. دوم اینکه، به اعتقاد نگارنده، بافت تاریخی کرمان و به خصوص محله‌های آن با اهمیتی که دارند، هنوز به عنوان پیکره منسجم، مفهومی مورد خوانش دقیق قرار نگرفته‌اند و تلاش شد که با روش نشانه شناختی به این مهم نزدیک شد. سوم اینکه، رهیافت مشخصی که بر پایه مباحث تحلیلی این مقاله برای اصلاح سامانه‌ای بافت و محله‌ای امروز کرمان از منظر نشانه شناختی استخراج نمود بر این اصل اساسی استوار است که «ارتباط لایه‌های متن/ بافت، محله‌های کرمان – ایران، آنگاه هم‌افزا و منسجم خواهد بود

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کـه مسـائل و مـوارد مربـوط بـه هـر یـک از لایه‌هـا را بـا توجـه بـه مؤلفه‌هـا و شـاخصه‌های سـایر لایه‌هـا و در رابطـه‌ای همسـو و وحدت‌گـرا، مـورد خوانـش قـرار داده و حـل نماییـم». بـه بیانـی دیگـر آنچـه سـبب گردیـده کـه در بافـت محلـه‌ای معاصـر کرمـان، شـاهد افـول و بـه هـم ریختگـی و اغتشـاش باشـیم، آن اسـت کـه مسـائل مربـوط بـه هـر یـک از لایه‌هـا، نظیـر لایه‌هـای اجتماعـی، فرهنگـی، اقتصـادی، سـاختاری، عملکـردی و غیـره را بـه صـورت منفصـل و بی‌رابطـه بـا سـایر لایه‌هـا حـل نماییـم. غافـل از اینکـه بـه محـض فرعـی قـرار دادن لایـه‌ای و عـدم همنشـینی لایه‌هـا بـا هـم، بـه اغتشـاش و عـدم انسـجام و پویایـی بافـت محلـه‌ای، دامـن زده‌ایـم و نتیجـه آن عـلاوه بـر سـاختار بی‌نظـم و بی‌مفهـوم، عـدم آرامـش و رضایـت سـاکنان را از فضـای زندگـی بـه همـراه دارد. بنابرایـن طبـق ایـن نـگاه، هـر یـک از لایه‌هـا، هویتـی منحصـر بـه فـرد و خودبسـنده دارنـد. از ایـن رو فرآینـد حـل تمامـی مسـائل آنهـا، تنهـا در ارتبـاط آنهـا بـا سـایر لایه‌هـا و رمزگان‌هـای آنهـا صـورت می‌پذیـرد. توجـه توأمـان بـه لایه‌هـای درگیـر در طراحـی و رمزگان‌هـا، بازتابنـده مفاهیـم زیبایـی شـناختی بـا رویکـردی اجتماعـی – فرهنگـی بـوده کـه در عیـن پاسـخگویی بـه نیازهـای سـاکنان، بافتـی منسـجم و وحدت‌گـرا را رقـم خواهـد زد و تـا زمانـی کـه نـوع نـگاه انفصالـی بـه لایه‌هـا و عـدم ارتبـاط آنهـا در رویکردهـای حـل مسـائل سـامانه معمـاری در متـن/ بافـت، محله‌هـای کرمـان حاکـم باشـد، مجموعـه لایه‌هـای همنشـین، بافـت سـاز نخواهنـد بـود و نظام‌هـای سـاختاری، زیبایـی شـناختی و فرهنگـی، سـامانه‌ای وحدت‌گریـز را بنیـان می‌نهنـد.

منابع و مأخذ

۱. آرنهایـم، رودولـف، (۱۳۸۲)، پویـه شناسـی صورمعمـاری، ترجمـه مهـرداد قیومـی بیدهنـدی، انتشـارات سـمت، تهـران.

۲. الکسـاندر، کریسـتوفر، (۱۳۸۶)، معمـاری ورازجاودانگـی، ترجمـه مهردادقیومـی بیدهنـدی،انتشـارات‌شـهیدبهشـتی،تهـران.

۳. احمـدی، بابـک، (۱۳۸۰ الـف)، سـاختار و تأویـل متـن، نشـر مرکز، تهـران.

۴. احمـدی، بابـک، (۱۳۸۰ب)، از نشـانه هـای تصویـری تـا متـن، نشـر مرکـز، تهـران.

۵. احمـدی، بابـک، (۱۳۸۰ج)، سـاختار وهرمنوتیـک، گام نـو، تهـران.

۶. اکـو، امبرتـو، (۱۳۸۷)، نشـانه شناسـی، ترجمـه پیـروز ایـزدی، نشـر ثالـث، تهـران.

۷. چندلـر، دانیـل، (۱۳۸۷)، مبانـی نشـانه شناسـی، ترجمـه مهـدی پارسـا، انتشـارات سـوره مهـر، تهـران.

۸. دبـاغ و مختابادمرئـی، امیـر مسـعود و سـید مصطفـی، (۱۳۹۰)، تأویـل معمـاری پسـامدرن از نظـر نشـانه شناسـی، مجلـه علمی–پژوهشـی هویـت شـهر، شـماره ۹، واحـد علـوم وتحقیقات تهـران دانشـگاه آزاد اسـلامی، تهـران.

۹. حقیقـی، مانـی، گزینـش وویرایـش، (۱۳۷۴)، سرگشـتگی نشـانه هـا، نشـر مرکـز، تهـران.

۱۰. سـجودی، فـرزان، (۱۳۸۷)، نشـانه شناسـی کاربـردی، ویرایـش دوم، نشـر دوم، نشـر علـم، تهـران.

۱۱. سـجودی، فـرزان، (۱۳۸۸)، نشـانه شناسـی: نظریـه و عمـل، نشـر علـم، تهـران.

۱۲. دوسوسـور، فردینـان، (۱۳۸۲)، دوره زبـان شناسـی عمومـی، ترجمـه کـورش صفـوی، نشـر هرمـس، تهـران.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۱۳. سجودی، فرزان، (۱۳۸۱)، نشانه و نشانه شناسی؛ بررسی تطبیقی آرای سوسو، پیرس، اکو، مجله زیبا شناخت، ص ۸۳-۱۰۰، معاونت امور هنری وزارت ارشاد اسلامی، تهران.

۱۴. ضیمران، محمد، (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران.

۱۵. ضیمران، محمد، (۱۳۷۹)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، نشر هرمس، تهران.

۱۶. شیرازی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، نشانه شناسی معماری، مجله معمار، شماره ۱۶، تهران.

۱۷. صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، شکل گیری نشانه ها، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۱۸. فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۱)، اصل ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران.

۱۹. کالینسن، دایانا، (۱۳۸۵)، تجربه زیبا شناختی، مجموعه مقالات زیبایی شناسی و فلسفه هنر، ترجمه فریده فرنودفر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۲۰. کالر، جاناتان، (۱۳۸۶)، فردینان دو سوسور، ترجمه کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران.

۲۱. گیرو، پی یر، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشرآگاه، چاپ سوم، تهران.

۲۲. مهدوی نژاد و بمانیان و خاکسار، (۱۳۸۹)، هویت معماری، مجله هویت شهر سال پنجم شماره ۷، ص ۱۱۳-۱۲۲، علوم وتحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۲۳. یوهانسن ولارسن، یورگن دنیس وسوندارایک، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی چیست؟، ترجمه علی میر عمادی، نشر ورجاوند، تهران.

24. Agrest & Gandelsonas, Diana & Mario, (1995), “Semiotics and Architecture”, Princeton Architectural Press, New York.

25. Arnheim, Rudolf, (1975), “The Dynamics of Architectural form:

26. Based on the 1975 Mary Duck Biddle Lectures at the Cooper Union”, University of California Press, Berkeley.

27. Barthes, Roland, (1967), “Elements Semiology”. Trans, A. Levers & C.Smith & Hill & Wang, New York.

28. Culler, Jonathan, (1981), “The Pursuit of Signs”, Routlege, London.

29. Eco, Umberto, (1979), “A theory of Semiotics”, Indiana University Press, Bloomington, Indiana, USA.

30. Eco, Umberto, (1979), ‘Function and Sign: The Semiotics of Architecture in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory”, Ed. By Neil Leach, Routlege, London.

31. Kristeva, Julia, (1980), ‘Desre Language: A Semiotic Aproach to Literature and Art” (New Yory:;Columbia University Press.

32. Martin & Ringham, Bromwen & Feliztas, (2000), “Dictionary of Semiotics”, Cassell, London & New York.

33. NÖth, Winfried, (1995), “Handbook of Semiotics”, Indiana University Press, Bloomington and Indianapolis.

34. Peirce, Charles Sanders, (1931-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

58), “Coolected Writings” (8Vols.) (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arture W. Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.

35. Saussure, Ferdinand de, ([1916] 1983): “Course in General Linguistics” (trans. Roy Harris), Duckworth, and London.

36. Walker, Paul, (1986), “Semiotics and the Discourse of Architecture”, Thesis (Phd.Architecture), University of Auckland.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]